

## شکاف اجتماعی برای ترامپ کاربرد انتخاباتی دارد

**اعتراضات این روزهای مردم آمریکا بیش از هر چیز ریشه در تبعیض نژادی موجود در جامعه آن دارد اما به نظر می رسد مساله تبعیض به حوزه تبعیض نژادی محدود نمی شود. در این ارتباط، شما به‌طور مشخص ساختارهای تبعیض زار جامعه آمریکا و عوامل مختلفی را که باعث شکل گیری تبعیض در جامعه آمریکا می شود و می تواند نارضایتی هایی به دنبال داشته باشد چطور می بینید؟**

اگر بخواهیم نگاهی تاریخی به این امر داشته باشیم و به بحثی که درباره ایده آمریکایی بودن یا ایدئولوژی آمریکایی بودن است، نگاه کنیم، باید گفت براساس تجربه تاریخی از ابتدای شکل گیری آمریکا و به عبارتی از بدو ورود اروپایی ها به قاره آمریکا و شکل گیری نظام اقتصادی و سیاسی آن تا الان، رویه براین اساس بوده که آن کسی که توانایی بیشتری به لحاظ فیزیکی و مالی دارد، توانسته به برتری های متعدد و متفاوتی در عرصه های مختلف دست یابد. درحقیقت شرایطی رقم خورده که افرادی که برتری هایی دارند، بتوانند با زریا گذاشتن افراد دیگر به موقعیت های بهتر دست یابند. این مساله را به شکل های مختلف در تاریخ آمریکا می بینیم. به عنوان نمونه در یک محل مهاجرپذیر همواره برتری با مهاجرهای سفیدپوست اروپایی و آنهایی که از شمال اروپا آمده اند و سفیدپوست و پروتستان هستند، بوده است. این برتری همیشه وجود داشته و به شکل های مختلف نهادهین شده است.

نکته حائز اهمیت آنکه در ساختارهای مختلف سیاسی و اقتصادی و اجتماعی که به مرور زمان در چند سال تاریخ آمریکا شکل گرفته، یک سازوکاری به وجود آمده که این برتری تثبیت شده و مدام به شکل های مختلف تشدید شود. این را در بحث نژادی به شکل های مختلف شاهد هستیم. فقط بحث سیاه پوستان نیست و در ارتباط با مهاجرهایی که از آسیا همانند چین یا ژاپن به آمریکا می آمدند نیز صادق است. سیاه پوستان البته از همه گروه های مختلف وضعیت بدتری داشتند، چون مهاجرت آنها ارادی نبود، یعنی مهاجرت اجباری بود که از ابتدا شکل گرفت.

در این میان براساس طبیعت نظام کاپیتالیستی همیشه کسانی که برتری اقتصادی داشتند، مدام در تلاش بودند که این برتری را با هر هزینه ای حفظ کنند. در برهه ای از تاریخ آمریکایمانی که اعتراضات کارگری شدت می گرفته، دولت و نهادهای سیاسی تقریبا همیشه درمقابل گروه های فرودستی که به لحاظ اقتصادی مسلح پایین تری داشتند، جانب گروه های برتر اقتصادی اعم از کارخانه دارها و یا افرادی را که به شکل های مختلف در حوزه اقتصادی فعالیت داشتند، می گرفتند.

در این باره می توانیم درخصوص تبعیض نژادی، اقتصادی و حتی درباره بحث های جنسیتی صحبت کنیم. در ظاهر ممکن است زنان آزادی هایی در تاریخ آمریکا داشته باشند ولی وقتی به عمق قضیه نگاه می کنید و وارد لایه های درونی ماجرا می شوید، چه در بحث مشارکت های اجتماعی و دادن حق رای به زنان که پروسه ای طولانی بود و فعالیت های زیادی پیرامون آن اتفاق افتاد و چه در نوع رفتاری که به لحاظ حق مالکیت و حقوق مختلفی که یک زن در جامعه و خانواده می تواند داشته باشد، مساله تبعیض را به شکل پررنگی خواهید دید. به گونه ای که گذشته از نقشی که زنان به شکل طبیعی در خانواده و جامعه ایفا می کنند، جامعه مدام گوشزد می کرد که زن هادر بحث های سیاسی ورود نکنند، فکر نکنند، و فکر کردن تری زن نیست و... لذا باید گفت مسائل این چنینی نیز در بحث تبعیض جنسیتی قابل اشاره است.

**البته این مساله بیشتر جنبه تاریخی دارد و امروزه وضع تا حد زیادی متفاوت شده است.**

الان تا حد زیادی اینها زین رفته ولی بحث تبعیض علیه زنان اکنون به شکل دیگری بروز می کند. در جامعه آمریکا خیلی از خانواده ها را می بینید که دخغه دختری تربیت دخترهای خود را دارند، چراکه جامعه الگویی خاص و مضری را القای می کند. در این جامعه دختر شما مدام خود را به لحاظ ظاهری ارزیابی می کند و احساس می کند باید به یک سری استانداردها که در جامعه بازتولید می شود، برسد که این استانداردها می تواند از طریق سلبریتی های مختلف ترویج یابد. در چنین فضایی در ظاهر مدام شعار آزادی زن را می دهند و معتقد هستند جامعه آمریکا را نسبت به چند دهه گذشته تغییر داده ایم ولی واقعیت این است که زن را از بند یک سری مسائل خارج کردن و در بند مسائل دیگر قرار دادند که ضررهای آن اگر بیشتر نباشد، کمتر هم نیست. به هر حال این مساله که زن چطور خود را ارزیابی می کند و با چه استانداردهایی باید خود را وفق دهد تا در جامعه پذیرفته شود، به شکل های مختلف وجود دارد. این که برای یک زن به عنوان یک انسان در جامعه آمریکا موفقیت های فردی و انسانی او اهمیت دارد یا اولین چیزی که درباره او قضاوت می شود، ظاهر اوست، مساله ای است که الان در جامعه آمریکا وجود دارد و فعالان اجتماعی در این عرصه نیز نسبت به آن اعتراض دارند. درحقیقت در هر شاخه ای وارد بحث تبعیض در جامعه آمریکا شویم، می توان به‌طور مفصل درباره آن صحبت کرد.

**ساختارهای تبعیض زار دو حوزه سیاست و فرهنگ در چه فرآیندی باز تولید می شوند؟**

نرم هایی که در جامعه وجود دارند مدام به شکل های مختلف بازتولید می شوند. واقعیت این است که سیاست، اقتصاد و فرهنگ در جامعه آمریکا در هم تنیده هستند. اگر به بحث نظام کاپیتالیسم برگردیم که هم حوزه فرهنگی را تحت تاثیر خود قرار می دهد و هم در هم تنیدگی اقتصاد و سیاست را به شکل پررنگ بروز می دهد و اگر به گذشته و تاریخ به دنیا آمدن ایالات متحده آمریکا برگردیم و به آن چیزی که تحت عنوان انقلاب بیدان اشاره می شود، خواهیم دید که انقلاب آمریکا یکی از محافظه کارترین انقلاب های دنیا بود، یعنی حتی نمی توان اسم انقلاب هم روی آن گذاشت. این در تحلیل های غربی ها نیز وجود دارد، چرا که فرهیختگان و افرادی که قدرت را در جامعه در دست دارند، قبل و بعد از انقلاب تغییری نکرده اند؛ یعنی همان

## راهبرد